



چهارشنبه ۲۴ دی ۱۴۰۴ ۸ صفحه ۲۰ هزار تومان ۴ سال چهارم شماره ۹۸۲
www.hammihanonline.ir



کمیته حقیقت یاب تشکیل می شود
اظهارات فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت
درباره ناآرامی ها و درگیری های اخیر



روایتی از کهریزک و بهشت زهرا
پیگیری خبرنگاران هم میهن و اظهارات مسئولان
درباره کشته شدگان حوادث اخیر



تنگنا هراسی
یادداشتی از بابک زمانی
درباره پیامدهای انسداد اجتماعی بر افراد



مهیلا برای جنگ، آماده برای مذاکره

بررسی گمانه زنی ها در خصوص روابط ایران و آمریکا همزمان با تهدیدهای ترامپ

سرمقاله

بازگشت یکدست سازی؟

فضای سیاسی - اجتماعی امروز ایران، اگر برای اکثریت جامعه نگران کننده و دلهره آور است و فشارها و تحریم های خارجی و ضعف دولت و فقدان چشم انداز در داخل، قریب به اتفاق شهروندان را برای زندگی روزمره و معمولی خود دچار چالش جدی کرده است؛ اما در عین حال، برای طیفی از نیروها و جریان های سیاسی فرصتی بی بدیل محسوب می شود که مدت ها بود برای آن لحظه شماری می کردند. این طیف از نیروها که در جامعه شناسی سیاسی تحت عنوان راست رادیکال شناخته می شوند و در سه سال دولت سیزدهم تقریباً کل نهادهای قدرت را در اختیار داشتند، پس از حادثه سقوط بالگرد رئیس آن دولت و در ادامه، شکست در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته در موضع انفعال قرار گرفتند. حتی فضاسازی ها و تجمعات آنها که تحت عنوان موضوعاتی چون اجرای قانون حجاب شکل گرفت، نه با اقبال بدنه اجتماعی (حتی اقشار متدین، مذهبی و سنتی) و نه با حمایت جدی سیاسی (حتی از سوی طیف های دیگر جریان اصولگرا) همراه نشد. با این حال، این طیف که ابزارهایی چون صداوسیما، خبرگزاری ها، سایت ها و مطبوعات رسمی و نیز نمایندگانی پرسرو صدا و جنجال برانگیز در مجلس را در اختیار دارند، از همان ابتدای کار دولت چهاردهم همه توان و ظرفیت خود را به کار گرفتند تا آب رفته به جوی را بازگردانند و با دست کم، پایگاه اجتماعی دولت و حامیان آن را به این نتیجه برسانند که با خروج دولت از دست راست افراطی، اتفاقی نیفتاده است و همان طور که دولت های قوی تر، منسجم تر و با پشتوانه اجتماعی گسترده تر خاتمی و روحانی نتوانستند تغییری جدی در مناسبات قدرت شکل دهند؛ به طریق اولی، دولت پزشکیان که از پایگاه رای صرفاً ۳۰ درصدی برخوردار است، نمی تواند در برابر پیشبرد سیاست ها و اهداف تندروها کار چندانی صورت دهد. در این میان، دو عامل نیز به کمک راست افراطی (خالی سازان) آمد. نخست، تشدید تحریم ها و فشارهای خارجی بر کشور که با روی کار آمدن دونالد ترامپ در زمستان سال گذشته آغاز شد و در ادامه، با شکست خوردن مذاکرات، جنگ ۱۲ روزه و نهایتاً اجرای اسنپ بک همراه شد که نتیجه آن، کاهش جدی منابع ارزی دولت، تورم افسارگسیخته، کمبود کالاهای اساسی و حتی قرار گرفتن کشور در آستانه قحطی بود؛ وضعیتی که به طور طبیعی، دولت را به عنوان مسئول اصلی معیشت و اقتصاد سوژه اعتراضات و مطالبات عمومی (از کسبه و بازاریان تا کارگران و مزدبگیران) قرار می داد. عامل دوم، همراهی غیررسمی طیف های اصلی اصولگرا و حتی گاه شخص رئیس مجلس در مقاطع حساس و تعیین کننده، با خواست ها و انتظارات راست افراطی بود. در چارچوب این همراهی که تحت عنوان «وفاق» هم توجیه می شد، عملاً دولت از مهمترین چهره ها و مدیران مؤثر خود خالی شد و به جای آن، افرادی فاقد پایگاه و رویکرد سیاسی روشن وارد دولت شدند که نتیجه آن، تضعیف بیشتر روند تصمیم گیری در شرایط بحران و به تدریج، کشیده شدن کشور به وضعیت بی تصمیمی و بی دولتی بود. از سوی دیگر، حذف چهره های مؤثر و دارای پایگاه اجتماعی از دولت و یا جلوگیری از حضور آنان در مسئولیت های جدی و اساسی کشور، ناامیدی پایگاه اجتماعی و حامیان رئیس جمهور را تشدید کرد و به تدریج، رئیس جمهور و دولت تنها شدند و همین امر از یک سو، بر شدت حملات مخالفان داخلی و فشارهای خارجی افزود و از سوی دیگر، شرایط اقتصادی و اجتماعی را بیش از پیش دچار التهاب، تعلیق و بالاکلیفی کرد. چنین شرایطی بود که طبیعتاً، پتانسیل اعتراضی اقشار مختلف جامعه را افزایش داد. ← ۳

گفتار
سیاستمدار
۲۰۳

ارزیابی غلامحسین کرباسچی از شرایط کشور ونقد او بر عملکرد دولت و سیاست های حاکم نمی شود مردم را در تعلیق نگه داشت

▲ آقای رئیس جمهور از این مردمی که این قدر از در صحنه بودن شان تعریف کردید اگر نظرخواهی کنید، اغلب آن ها می دانند که مشکل اقتصادی کشور در سیاست خارجی آن است. پس باید برای سیاست خارجی قدم بردارید و به هر شکلی که شده مسئله سیاست خارجی را با دنیا حل کنید.

▲ می گویند که شما با این کارها ما را بازی می دهید. در حرف می گویی نظرات مردم و نظرات کارشناسی اما در عمل هر چه فکر می کنی صلاح است، انجام می دهی.

▲ مسئولین مدام می گویند مردم ایستادگی کردند خوب شما چه کاری برای مردم انجام داده اید؟ آن صد اوسیمایان است، آن سخنرانی هایتان است و... باید جایی نقطه پایان برای یک سری از روش ها گذاشت. البته الان هم مردم پای کشور ایستاده اند اما می گویند این مجموعه ناتوان است و از بسیاری مسائل مانند انتخابات ناامید شده اند.

▲ بر اساس آماری و نه یا چهل درصد مردم زیر خط فقر هستند، وقتی قرار است ماهی یک میلیون تومان به افرادی که زیر خط فقر هستند بدهیم و از آن طرف این افراد مجبور شوند که معاش خود را با قیمت ارز آزاد تامین کنند، این مبلغ یک میلیون تومان چه کمکی به آن ها می کند؟ مردم دستشان در حساب و کتاب است. با یک شاهی صنار که کار اقتصاد و زندگی مردم حل نمی شود.

▲ شرایطی که برای ما از تحریم و انزوا درست کردند از آن کاری که در ونزوئلا انجام دادند به نظرم خیلی بدتر است. میزان سرمایه و استعداد های کشورمان که تلف می شود و آنچه از سرمایه هست و نمی توانیم از آن استفاده کنیم قابل اندازه گیری نیست.

